

Analytical investigation of the causes of the Hamdanian government's attention to Shiite tombs and sacred rituals and its consequences

Sayyed mahmmod tabatabaey¹

Abstract

The fourth and fifth centuries of Hijri are considered as important centuries in the history of Shia-Islamic civilization; Because at this time there are three powerful Shiite governments in Islamic civilization and they are playing a role. In the east of the Islamic lands, there is the rule of Ale Bouyeh, in the Sham, there is the Hamdanian rule, and in the west, there is the Fatemian rule that each of these claim to rule the Islamic world, and on the other hand, the Abbasid caliphate is still in power.

The reasons for the attention of the Hamdanian government to Shiite holy places and tombs is the main question of this research, which we will address with the method of library study and document analysis. The results of the research show that the emirs of this government are Shiites on one hand and the political competition with two other Shiite governments, namely Ale Bouyeh and Fatemian, on the other hand; this caused them to try to attract Shia scholars in the lands under their rule till in this way, they can add to the scientific and cultural wealth of their government and have the support of the Shia people under their government.

Keywords: Shia, Tomb, Hamdanian, Mousel, Aleppo, Samarra.

The first year|

Number Four|

Summer 2024|

1. Master of Islamic Studies and Level 4 student at Qom Seminary
Seyes135@yahoo.com

بحث تحليلي لأسباب اهتمام حكومة الحمدانيين بالمقابر الشيعية و الشعائر المقدسة و نتائجها

سيد محمود طباطبائي^١

الخلاصة

يعتبر القرنان الرابع والخامس الهجريان من القرون المهمة في تاريخ الحضارة الشيعية الإسلامية. لأنه في هذا الوقت كانت هناك ثلاث حكومات شيعية قوية في الحضارة الإسلامية حيث لعبوا دوراً في شرق البلاد الإسلامية حكومة آل بويه القوية، و في الشام الحكومة الحمدانية، و في غربها الحكومة الفاطمية، و كل منهما يدعي حكم العالم الإسلامي، و من جهة أخرى فإنه لا تزال الخلافة العباسية على رأس السلطة آنذاك.

إن أسباب اهتمام الحكومة الحمدانية بالمقدسات و المقابر الشيعية هي السؤال الرئيس في هذا البحث و الذي سنتناوله بأسلوب الدراسة المكتبية و تحليل الوثائق. و تظهر نتائج البحث أن أمراء هذه الحكومة كانوا من الشيعة من جهة، و من جهة أخرى، كان التنافس السياسي مع حكومتين شيعيتين أخريين، أي ال بويه و الفاطميين، من جهة أخرى، سبباً في ظهور هؤلاء الأمراء التنافس للسعي إلى استقطاب علماء الشيعة في الأراضي الخاضعة لحكمهم، حتى يتمكنوا من ذلك من الإضافة إلى الثروة العلمية و الثقافية لحكومتهم و الحصول على دعم الشيعة لحكومتهم.

الكلمات المفتاحية: الشيعة، المزار، الحمدانيون، الموصل، حلب، سامراء.



فصلنامه
علمی
مطالعات
بِقاع و
امكان
متبركه

١. ماجستير في الدراسات الإسلامية وطالب في المرحلة الرابعة في حوزة قم العلمية
Seyes135@yahoo.com

بررسی تحلیلی علل توجه حکومت حمدانیان به مقابر و شعائر مقدس شیعه و پیامدهای آن

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۲

سید محمود طباطبایی^۱

چکیده

قرن چهارم و پنجم هجری در تاریخ تمدن شیعی- اسلامی، به‌عنوان قرون مهم این تمدن به شمار می‌رود. چراکه در این زمان سه حکومت مقتدر شیعی در تمدن اسلامی وجود دارند و ایفای نقش می‌کنند. در شرق سرزمین‌های اسلامی حکومت مقتدر آل بویه و در شام حکومت حمدانیان و در غرب حکومت فاطمیان وجود دارند که هرکدام از این‌ها داعیه‌دار حکومت بر جهان اسلام هستند و از طرفی خلافت عباسی نیز همچنان در رأس قدرت قرار دارد. علل توجه حکومت حمدانیان به اماکن و مقابر مقدس شیعه سؤال اصلی این پژوهش است که با روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی به آن پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شیعه بودن امرای این حکومت از یک‌طرف و از طرفی رقابت سیاسی با دو حکومت شیعی دیگر یعنی آل بویه و فاطمیان از طرف دیگر باعث شد که این امرا درصدد جذب عالمان شیعی در سرزمین‌های تحت حکومت خود باشند تا از این طریق بتوانند هم بر غنای علمی فرهنگی حکومت خود بیفزایند و هم پشتوانه مردمی شیعیان تحت حکومت خود را داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: شیعه، مزار، حمدانیان، موصل، حلب، سامرا.

۱. مقدمه

قرن چهارم هجری به دلیل افول قدرت خلافت عباسی از یک سو و شروع حکومت‌های شیعی مذهب در سایه خلافت عباسی از سویی دیگر، از قرون مهم تمدن اسلامی و بخصوص فرهنگ شیعه به شمار می‌رود. در این دوره ضعف دستگاه خلافت و آشفتگی سیاسی آن باعث شد که امرایی که صاحب قدرت منطقه‌ای بودند علم استقلال بردارند و تأیید حکومت خود را از خلافت عباسی خواستار شوند و دستگاه خلافت هم از یک طرف به دلیل مشکلات داخلی و ضعف درون سیستمی و از طرفی دیگر به دلیل اینکه بتواند همچنان موجودیت خود را حفظ کند به تأیید این حکومت‌ها تن داد.

در این آشفته‌بازار سیاسی برای خلافت عباسی، خلیفه عباسی تنها توانست این حکومت‌ها را با هم در حالت تخاصم نگه دارد و از اتحاد ایشان جلوگیری کند که اگر این اتحاد اتفاق می‌افتاد قطعاً بساط خلافت عباسیان به دست حکومت‌های شیعه برچیده می‌شد؛ علاوه بر این ذهنیت مردم جوامع و قداست جایگاه خلافت باعث می‌شد که امرای شیعی نیز در صدد تأیید خود توسط دستگاه خلافت باشند تا بدین‌سان مشروعیت اجتماعی بیابند و زمینه‌های اجتماعی برای حذف این نهاد دینی در آن دوره وجود نداشت.

این حکومت‌های شیعه مذهب که هر کدام بر قسمتی از پهنه خلافت عباسی حکمرانی می‌کردند، سعی بر آن داشتند تا برای بقای خود و همچنین برای کسب مشروعیت و قدرت‌یابی سیاسی، بیشتر از لحاظ سیاسی هوادار خلافت عباسی باشند تا اینکه به فکر اتحاد علیه این دستگاه بیفتند. به همین دلیل در این دوره با اینکه دو حکومت تقریباً مقتدر شیعی تحت لوای خلافت عباسی وجود دارد؛ ولی کمتر از اتحاد آن‌ها صحبتی به میان آمده است اگرچه به تدرت نیز تخاصم و جنگ نیز بین این حکومت‌ها مطرح شده است. در این بین حکومت شیعی مذهب فاطمیان از اساس با خلافت عباسی در تضاد بود؛ ولی از آنجاکه از لحاظ سیاسی و جغرافیایی با این خلافت ارتباطی نداشت زیر لوای آن نرفت و در محدود دفعات با این خلافت وارد جنگ شد.

در بین این حکومت‌های شیعه مذهب در این دوره، کمترین دوره حکمرانی را حمدانیان داشتند که در دوشاخه حمدانیان حلب و حمدانیان موصل قابل تقسیم بندی سیاسی هستند. این حکومت با توجه به شیعی بودن، سعی داشتند هم برای مشروعیت‌یابی خود بین شیعیان این دو منطقه و هم برای مقابله با حکومت‌های شیعی مذهب دیگر همچون فاطمیان و آل بویه، فعالیت‌های سیاسی فرهنگی مختلفی داشته باشند. یکی از مهم‌ترین اقدامات این حکومت در این راستا، اهمیت دادن به مقابله امامان و بزرگان شیعه در محدوده حکمرانی خود بود تا بدین‌صورت هم تشیع خود را برای مردم مطرح کنند تا از این راه مشروعیت دینی بیابند و هم این‌که اقداماتی را برای جذب علمای شیعه از دیگر سرزمین‌های اسلامی انجام داده باشند که به گواهی تاریخ می‌توان گفت در هر دو مورد موفق بودند؛ ولی از آنجاکه طول دوره حکمرانی ایشان کم بود بهره‌برداری گسترده‌ای از این اقدامات نصیب این دولت نشد.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد موضوع این مقاله تا جایی که بررسی شد مقاله‌ای مجزا نوشته نشده است؛ ولی در مورد حمدانیان و دولت‌های شیعی در قرن چهارم و اقدامات سیاسی اجتماعی آن‌ها کتب و مقالاتی تدوین شده که در برخی از آن‌ها به صورت اختصار به بعضی از موضوعات این مقاله اشاره شده ولی این اشارات به صورت تحلیل نبوده است.

ناصر عنطیقه چی و نعمت‌الله صفری فروشانی مقاله‌ای با عنوان «بررسی روابط دولت‌های شیعی در قرن چهارم هجری» به نگارش درآورده‌اند. در این مقاله نویسندگان محترم به چگونگی روابط سیاسی فرهنگی دولت‌های آل‌بویه، حمدانیان و فاطمیان اشاره دارد و تحلیل این روابط را داشته‌اند.

اعظم بهرامی مقاله‌ای با عنوان «بررسی اوضاع فرهنگی ادبی در عصر حمدانیان» به رشته تحریر درآورده است. در این مقاله نویسنده به اوضاع شیعیان و دست آوردهای فرهنگی و ادبی ایشان با حکایت حکومت حمدانیان در موصل و حلب را تبیین کرده است. در این مقاله نویسنده به تبیین دستاوردهای فرهنگی این حکومت پرداخته؛ ولی به توجه این حکومت به مقابر ائمه و بزرگان شیعه اشاره‌ای ندارد و از این حیث با مقاله حاضر متفاوت است.

علی عباس فراهتی و دیگران مقاله‌ای با عنوان «پیدایش دولت حمدانیان و بررسی اوضاع اجتماعی آن دوران» منتشر کرده‌اند. این مقاله به چگونگی تأسیس حکومت حمدانیان و شرایط اجتماعی موصل و حلب هم‌زمان با این اتفاق اشاره دارد و با موضوع مقاله حاضر کاملاً متفاوت است.

محمد رضا شریفی پاکم در مقاله «تاریخ محلی حلب، جغرافیای تاریخی شهر حلب»، به بررسی ویژگی‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی این شهر از پیدایش تا دوران معاصر پرداخته است و در قسمتی از این مقاله به چگونگی به قدرت رسیدن حمدانیان اشاره دارد.

محمدعلی چلونگر کتاب «تاریخ فاطمیان و حمدانیان» را تألیف کرده است که در بین منابع جدید مطالعاتی در مورد حکومت حمدانیان منبع مهم و قابل‌اعتنایی است؛ ولی از آنجاکه این تألیف بیشتر برای مطالعه درسی دانشجویان رشته تاریخ انجام شده کمتر به موضوع مورد مطالعه این مقاله اشاره دارد.

۳. خلافت اسلامی در قرن چهارم

قرن چهارم هجری آغاز دوران ضعف خلافت عباسی به شمار می‌رود؛ به نحوی که در دورانی توانست جهان اسلام را تقریباً به صورت یکپارچه تحت سیطره حکمرانی خود قرار دهد؛ ولی با وجود خلفایی نالایق و دسیسه‌های امرای ترک و همچنین استقلال طلبی امرا در اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی رو به انحطاط رود.

همین امر باعث شده بود که سرزمین‌های اسلامی هرکدام مورد توجه امرا و لشکریان و حکمرانانی قرار بگیرند تا علم استقلال برافشانند. در همین دوران «بصره در دست ابن رائق بود،



خوزستان در دست بریدی، فارس در دست عماد الدولة بن بویه، کرمان در دست ابوعلی محمد بن الیاس، ری و اصفهان و جبل در دست رکن الدولة بن بویه و وشمگیر برادر مرداویج که با یکدیگر نزاع می‌کردند، موصل و دیار بکر و مصر و ربیعہ در دست بنی حمدان، مصر و شام در دست محمد بن طغج، مغرب و افریقا در دست عبدالرحمن بن محمد، ملقب به الناصر الاموی، خراسان و ماوراءالنهر در دست نصر بن احمد سامانی، طبرستان و گرگان در دست دیالمه، بحرین و یمامه در دست ابو طاهر جنابی قرمطی» (راوندی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۴۱). پس از این دوره وضع خلافت حتی رو به آشفتگی بیشتر داشت چنانچه در عهد خلافت المتقی (۳۲۳-۳۲۹) و المستکفی (۳۳۴-۳۳۳) وضع خلافت از این هم بدتر بود و مبارزات مدعیان امارت، همچنان ادامه داشت و کار این مبارزات به جایی کشیده بود که مردم بغداد دائماً در اضطراب و بی‌نظمی و فقر و گرسنگی روزگار می‌گذرانند و بسیاری از ساکنان آن شهر ناگزیر به ترک دیار شدند و به سایر بلاد اسلامی روی آوردند (همان).

در این دوران به دلیل اینکه شیعیان نیز تا حدی از تعصب و ظلم دستگاه خلافت و به خصوص امرای ترک این دستگاه به ستوه آمده بودند زمینه لازم برای تشکیل حکومت‌های شیعی مذهب به مراتب فراهم بود و به همین دلیل حکومت آل بویه در شرق سرزمین‌های خلافت عباسی و حکومت حمدانیان در غرب توانست ظهور کند و حمایت‌های مردم شیعه مذهب را نیز داشته باشد.

۴. حمدانیان از جدال با خلافت تا تشکیل حکومت

اکثر تاریخ‌دانان و مورخان آغاز حکومت حمدانیان و تشکیل این سلسله را در دوران خلافت المکتفی بالله دانسته‌اند به گونه‌ای که بیان شده «در سنه اثنی و تسعین و مأتین فروغ عنایت و التفات المکتفی بالله بر وجنات حالات ابو الهیجا عبد الله بن حمدان تافت و ابو الهیجا در موصل لواء ایالت مرتفع گردانیده» (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۴۷) و بدین سان اولین حکم خلیفه برای امرایی این خاندان صادر گشت.

پس از مرگ المکتفی حسین بن حمدان برادر ابوالهیجا که از به خلافت رسیدن مقتدر عباسی زیاد خوشنود نبود در توطئه‌ای سعی داشت که عبدالله بن معتز شاعر را به خلافت برساند که این توطئه شکست خورد. عوامل خلیفه از ابو الهیجا خواستند که حسین را تسلیم کند و او با یاری لشکریان خلیفه حسین را مغلوب کرد و به خلیفه سپرد و خلیفه نیز او را بخشید و ولایت قم و کاشان را به او بخشید؛ ولی این پایان کار نبود و هم ابوالهیجا و هم حسین بن حمدان سعی داشتند تا با استفاده از ضعف دستگاه خلافت، اقتدار خود را فزونی بخشند و استقلال بیابند. با سامان یافتن قدرت خلیفه مقتدر عباسی هر دو برادر به تیغ خشم خلیفه دچار شدند و به قتل رسیدند و با کشته شدن ایشان بقیه خاندان بنی حمدان بغداد را ترک کرده و در موصل و جزیره ساکن شدند.

المقتدر عباسی اگرچه توانست برای مدتی اوضاع بغداد و دستگاه خلافت را سامان بخشد و شوکت ازدست‌رفته خلافت را برای مدتی بازگرداند؛ ولی حفظ این اوضاع بسیار سخت بود و به همین دلیل برای کنترل اوضاع و به خصوص شورش‌های خوارج نیز به حمدانیان و نیروی جنگاوری آن‌ها بود به همین دلیل مدتی پس از قتل ابوالهیجا، فرزندش حسن ملقب به ناصر الدوله را امارت موصل داد (ابن اثیر، ۱۹۸۹، ج ۵: ۱۲۱).

در آشفتگی دوباره دربار خلافت پس از مرگ مقتدر تا روی کار آمدن الرضی بالله، چندین جنگ و توطئه پیش آمد و سرانجام حسن ناصر الدوله توانست رقبای خود در داخل خاندان حمدانی را به طرق مختلف از صحنه به در کند و پس از آسودگی از داخل با استیلا بر موصل، دیار بکر و دیار مضر امارت این سرزمین‌ها را از خلیفه عباسی دریافت دارد. آخرین تلاش ناصر الدوله برای دریافت منصب امیرالأمرای از خلیفه المتقی، قتل ابن رائق وزیر بود. ابن کثیر این واقعه را چنین بیان می‌کند: «و لما صلوا إلى الموصل خرج عنها ناصر الدولة فنزل شرقها و أرسل التحف و الضیافات و لم یجئ إلى الخلیفة خوفا من العائلة من جهة ابن رائق، فأرسل الخلیفة ولده أبا منصور و معه ابن رائق للسلام على ناصر الدولة، فصارا إليه فأمر ناصر الدولة أن ینثر الذهب و الفضة على رأس ولد الخلیفة و جلسا عنده ساعة، ثم قاما و رجعا، فركب ابن الخلیفة و أراد ابن رائق أن یركب معه، فقال له ناصر الدولة: اجلس الیوم عندی حتی ن فکر فیما ن صنع فی أمرنا هذا، فاعتذر إليه باین الخلیفة و استراب بالأمر و خشی، فقبض ابن حمدان بكمه فجبذه ابن رائق منه فانقطع كمه و ركب سریعاً فسقط عن فرسه فأمر ناصر الدولة بقتله فقتل و ذلك یوم الاثنین لسبع بقین من رجب منها» (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۱: ۲۰۲). ناصر الدوله با این اقدام هم زهر چشمی به خلیفه نشان داد و هم خود را هوادار خلیفه بیان کرد خلیفه نیز منصب امیرالأمرای برای او صادر کرد و اجازه برافراشتن پرچم به او داد و لقب ناصر الدوله را برای او و سیف الدوله را برای برادرش برگزید^۱ (همان؛ ابن اثیر، ۱۹۸۹، ج ۵: ۲۲۸؛ مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶: ۵۷؛ ابن عماد حنبلی، ۱۹۸۶، ج ۴: ۱۶۸) و بدین سان دولت حمدانیان توانست حکومتی تشکیل دهد که نزدیک به یک قرن امتداد داشته باشد اگرچه مرکز این دولت در ابتدا موصل بود؛ ولی پس از آن در حلب امتداد یافت.

۱-۴. نسب و مذهب حمدانیان

درباره نسب حمدانیان گفته شده ایشان از نسل «حمدان بن حمدون بن تغلب بن وائل بن قاسط بن هنب بن افصی دعی بن جدیله بن اسد بن ربیع بن نزار بن معد بن عدنان من ولد اسماعیل علیه السلام» است (زرکلی، ۱۹۸۹: ۲۷۴). به نوشته ابن خلدون این خاندان که بیشتر نصرانی بودند از دوران جاهلیت به مناطقی در جزیره هجرت کرده بودند و در اطراف موصل و دیار ربیعه توطن داشتند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳۲۲).

اکثر مورخان و نسابان، حمدانیان را شیعه دوازده‌امامی بیان کرده‌اند که در حکومت خود سعی در احیای تشیع داشتند؛ ولی در این بین افراط نکردند و تسامح مذهبی را در پیش گرفته‌اند به گونه‌ای که در سرزمین‌های تحت سلطه ایشان، علاوه بر مسلمانان شیعه، اهل سنت، مسیحیان و دیگر مذاهب نیز زندگی می‌کردند.

در مورد مذهب این خاندان صحبت‌های فراوانی شده است به گونه‌ای که قاضی نورالله شوشتری ناصر الدوله را از شاگردان شیخ مفید می‌داند و بیان می‌دارد که شیخ مفید کتاب *امامت خود را برای ناصر الدوله تألیف کرده است* (شوشتری، ج ۲: ۳۱۴) و همچنین در سال ۳۴۷ ه. ق. به

۱. و مهما یکن فأن الخلیفة اثنی علی الحسن الحمدانی و خلع علیه و عقد له لواء و لقبه ناصر الدولة و کناه و جعله امیر للامراء و ذلك فی مستهل شعبان سنة ۳۳۰، كما خلع علی أخیه علی و لقبه سیف الدولة (فیصل، ۱۹۷۰، ج ۱: ۲۴۱).



دستور سیف‌الدوله، برای اولین، در شهر حلب و در بین اذان گفته شد «محمد و علی خیر البشر» این کار توسط حسین بن علی بن محمد صورت گرفت که از نسل زید بن علی بن الحسین بوده. ذکر این جمله در وسط اذان به صورت یک سنت مرسوم بود تا اینکه نورالدین زنگی از آن جلوگیری کرد (صنعتگر، ۱۳۸۰: ۳۲).

در سال ۳۵۴ ه. ق. سیف‌الدوله حمدانی سکه‌هایی ضرب کرد که بر آن‌ها نوشته شده بود: «لا اله الا الله؛ محمد رسول الله؛ امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، فاطمه الزهرا علیها السلام الحسن و الحسین، جبرئیل علیهم السلام» (همان: ۳۳). همچنین مرحوم حسین مظفر در مورد ایشان می‌نویسد: وقتی پرچم حکومت حمدانی در شام برافراشته شد و حکومت فاطمی در مصر ظهور کرد، مشعل تشیع در سوریه زبانه کشید و پرچم آن به اهتزاز درآمد. اکثر ملوک این سرزمین‌ها، شیعه بودند؛ آل‌بویه در ایران، بنی مزید در حله، بنی شاهین در بطائح و آل حمدان در موصل و حوالی آن (مظفر، ۱۳۷۵: ۲۲۳).

۲-۴. توجه حمدانیان به مقابر اسلامی

ساخت مقابر در تمدن اسلامی، فرهنگی است که بیشتر در مذهب شیعه به آن اهمیت داده می‌شود. در فقه شیعه، نه تنها به زیارت مقابر امامان و بزرگان دین توصیه شده، بلکه زیارت قبور والدین نیز مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل ساخت مقبره و بارگاه برای ائمه و بزرگان دین از فرهنگ‌های درخشان مذهب شیعه در تمدن اسلامی است. به نظر می‌رسد حمدانیان نیز هم به دلایل سیاسی و هم به دلایل اعتقادی، این امر را مورد توجه قرار داده‌اند و توانستند در این زمینه نیز خدماتی در تمدن اسلامی انجام دهند.

به نظر می‌رسد حمدانیان با این کار چند هدف را هم‌زمان پیگیری می‌کردند: اول این‌که با توجه به وجود لشکریان خوارج در نزدیکی امارت ایشان و نیاز جهاد با این گروه افراطی، تقویت روحیه جهاد و شهادت می‌توانست راهگشایی در این امر باشد. به همین دلیل نه تنها بر مزار امامان شیعه نزدیک امارت خود بارگاه ساختند بلکه بر مقبره صحابی جهادگر حضرت علی علیه السلام، عمرو بن حمق خزاعی نیز امارتی ایجاد کردند و اهمیت جهاد و شهادت در فرهنگ شیعه را تبیین کردند.

دومین هدفی که به نظر می‌رسد حمدانیان نیم‌نگاهی به آن داشتند، رقابت با حکومت شیعه‌مذهب آل‌بویه بود. چراکه هم آل‌بویه و هم حمدانیان مورد تأیید خلافت عباسی بودند و در واقع هر دو حکومت حکم خلافت خود را از خلافت عباسی دریافت کردند و بالطبع با توجه به این‌که هر دو حکومت مذهب شیعی داشتند خود را طلایه‌دار شیعیان نشان دهند تا از این مسیر بتوانند مرکز حکومت خود را به پایگاه شیعی تبدیل کنند؛ از این‌رو رقابتی را در ترویج تشیع خویش داشتند که یکی از نمودهای آن در ساخت بقعه و بارگاه بر مزار امامین و بزرگان شیعه است.

الف) بارگاه امام علی علیه السلام: آنچه از فحواي کتب تاریخی به دست می‌آید این است که تشیع حمدانیان قدمت بسیاری دارد و مربوط به دوران حکومت ایشان نمی‌شود. برخی این قدمت را به دوران تبعید ابوذر به شام - به دستور عثمان - و نیز از سده دوم هجری قمری، هم‌زمان با هجرت آل‌اب یسعه از عراق به حلب می‌دانند (طرابلسی، ۲۰۷: ۱۰۹). این سابقه و ارادت ایشان باعث شده بود

که حتی قبل از این که بتوانند حکومت تشکیل دهند تشیع خود را اظهار کنند چنانچه در مورد ساخت بارگاه بر مزار حضرت علی علیه السلام بیان شده که بانی این کار برای اولین مرتبه عبدالله بن حمدان در دوره عباسیان بوده است (خلیلی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۷۶) و بعد از او دیگر امرای شیعه و به خصوص حاکمان آل بویه به توسعه حرم حضرت علی علیه السلام همت گماشته‌اند.

ب) بارگاه امامین عسگریین: بنای عمارت آستانه سامرا در سال ۳۳۳ ه. ق. توسط ناصر الدوله حمدانی انجام شد. او اولین فرماندار شیعه بود که بر مزار امام دهم و یازدهم علیهما السلام گنبد بنا کرده پیرامون شهر سامرا حصار کشید و منازلی در اطراف آن ساخت و شیعیان را تشویق به سکونت در آن منازل نمود. قبر و ضریح را بنیان نهاد (محلّاتی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۸). متأسفانه تاریخ اطلاعات بیشتری از اقدامات حمدانیان در این زمینه به دست نمی‌دهد چرا که طول حکومت این خاندان شیعی به قدری نبود که بتوانند اقدامات بیشتری انجام دهند و خود در صدد ثبت این اقدامات در تاریخ باشند. خطیب بغدادی پیشینه مزار امامین عسگریین را چنین بیان می‌کند که امام هادی علیه السلام این مکان که خانه دلیل بن یعقوب نصرانی بود را خریداری کردند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۳: ۵۱۸) و پس از زندگی در آن، محل دفن ایشان پس از شهادت نیز قرار گرفت؛ پس از آن نیز دیگر افراد خاندان امامت همچون امام حسن عسگری علیه السلام نیز در آن دفن گردیدند و تا سال ۳۲۸ هجری نیز بر همان ظاهر اولیه باقی بوده است تا آنکه ناصر الدوله حمدانی اقدام به ایجاد بارگاه برای آن کرده است (صنعتگر، ۱۳۸۰: ۴۸).

بعد عضد الدوله آن را تکمیل کرد. به همین مناسبت علامه سماوی اشعاری را سروده است:

لناصر الدولة من آل حمدان
فارخوا (بهجها عماره) ۳۳۳

ثم ابتدت فی ضخم البنیان
فی ثلاث الف الهجرة المختارة

ناصر الدوله از آل حمدان در ثلث اول هزاره هجرت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و در تاریخ سال ۳۳۳، این زیارتگاه را بنا نهاد (صنعتگر، ۱۳۸۰: ۴۸).

ج) مقبره عمرو بن حمق خزاعی: او یکی از یاران علی علیه السلام بود و به آن حضرت اخلاص داشت و در راه خداوند همواره به جهاد و مبارزه روزگار می‌گذرانید. ابن سعد درباره او می‌نویسد: «ابن کاهن بن حبیب بن عمرو بن قین بن رزاح بن عمرو بن سعد بن کعب بن عمرو از قبیله خزاعه است. او با پیامبر صلی الله علیه و آله مصاحبت داشته و سپس به کوفه ساکن شده است و همراه علی که خدایش از او خشنود باد، در جنگ‌هایش شرکت کرده است. او از کسانی است که سوی عثمان رفته‌اند و شورشیان را بر کشتن او یاری داده‌اند. عمرو بن حمق را عبد الرحمان بنام الحکم در منطقه جزیره کشته است. محمد بن عمر واقدی از عیسی بن عبد الرحمان، از شعبی ما را خبر داد که می‌گفته است نخستین سری که در اسلام از جایی به جای دیگر برده شد سر عمرو بن حمق بود» (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۷۱). روایت کرده‌اند که عمرو بن حمق پیامبر صلی الله علیه و آله را آب دادند، رسول اکرم درباره او دعا کردند و فرمودند: بار خدایا او را از جوانی بهره‌مند گردان، او هشتاد سال عمر کرد و موی بر صورت او نروید. گفته‌اند او یکی از چهار نفری است که وارد اتاق عثمان شده و در کشتن



عثمان نقش داشته است (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۵۱۹). عمرو بن حمق بعد از کشته شدن عثمان به علی علیه السلام پیوست و در جنگ جمل و صفین و نهروان شرکت کرد و سپس با حجر بن عدی همکاری نمود و جزء یاران او شد، او از زیاد ترسید و از عراق فرار کرد و به طرف موصل رفت (همان). در مورد چگونگی قتل عمرو ابن اثیر می‌نویسد: «رفاعة بن شداد هم همراه او بود هر دو در دامان کوهی پناه برده پنهان شدند. خبر بوالی موصل رسید آن‌ها را (با عده) قصد نمود. عمرو به مرض استسقاء مبتلا شده بود نمی‌توانست از خود دفاع کند. رفاعة هم جوان و قوی بود بر اسب سوار شد و خواست از عمرو دفاع کند، عمرو به او گفت: جنگ تو سودی نخواهد داشت راه خود را بگیر و برو. او بر آن عده حمله کرد ناگزیر پراکنده شده راه او را باز کردند و با همان حمله راه خود را گرفت. عمرو را اسیر کردند. از او پرسیدند: تو کیستی گفت: من کسی هستم که اگر او را آزاد کنید بهتر خواهد بود و اگر خون او را بریزید برای شما زیان خواهد داشت. نام خود را به آن‌ها نگفت. آن‌ها هم او را نزد عبد-الرحمن بن عثمان ثقفی که ابن ام حکم و خواهر زاده معاویه بود بردند. والی او را شناخت. به معاویه نوشت. معاویه پاسخ داد که عمرو بن حمق ادعا کرده بود که به عثمان نه ضربت و طعنه زده که آن طعنه‌ها را با پنجگانه که همراه داشت به کار برده بود تو هم بمانند آن طعنه‌ها کیفر بده. او را حاضر کردند و در طعنه نخستین یا دومین در گذشت» (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۱۱: ۳-۴). عمرو بن حمق در سال پنجاه کشته شد و قبر او در نزدیک موصل زیارتگاه است. بنایی بر روی قبر او ساخته شده و اکنون مشهدی معروف در آن ناحیه است، آن بنا را ابو عبدالله سعید بن همدان پسر عم سیف الدوله و ناصر الدوله در شعبان سال ۳۳۶ ساخت (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۵۲۱ - ۵۲۲).

د) مقبره مشهد محسن علیه السلام مشهد محسن یا مشهد حسین نیز یکی از اماکن زیارتی منتسب به فرزند امام حسین علیه السلام در شهر حلب است که در دوران حمدانیان احداث گردید. حلبی غزی درباره این مکان چنین می‌نویسد: «فأما مشهد محسن فيعرف بمشهد الدكة و مشهد الطرح و هو غربی حلب سمی بهذا الاسم لأن سيف الدولة بن حمدان كان له دكة على الجبل المطل على موضع المشهد يجلس عليها لينظر إلى حلبة السباق فإنها كانت تقام بين يديه هناك و عن تاريخ ابن أبي طي أن مشهد الدكة ظهر في سنة ۳۵۱ و أن سبب ظهوره هو أن سيف الدولة كان في إحدى منازره التي بداره خارج المدينة فرأى نورا ينزل على مكان المشهد و تكرر ذلك فركب بنفسه إلى ذلك المكان و حفره فوجد حجرا عليه كتابة «هذا قبر المحسن بن الحسين بن علي بن أبي طالب» فجمع سيف الدولة العلويين و سألهم هل كان للحسين ولد اسمه المحسن فقال بعضهم ما بلغنا ذلك و إنما بلغنا أن فاطمة كانت حاملا فقال لها النبي صلى الله عليه و سلم في بطنك محسن فلما كان يوم البيعة هجموا على بيتها لإخراج علي إلى البيعة فأحدثت و في صحة هذا نظر. و قال بعضهم إن سبي نساء الحسين لما مروا بهن على هذا المكان طرحت بعض نسائه هذا الولد فإننا نروى عن آبائنا أن هذا المكان سمى بجوشن لأن شمر ابن ذی جوشن نزل عليه بالسبي و الرؤوس و كان معدنا يستخرج منه الصفر و إن أهل المعدن فرحوا بالسبي فدعت عليهم زينب بنت الحسين ففسد ذلك المعدن فقال سيف الدولة «هذا الموضع قد أذن الله بإعمارهِ فأنا أعمره على اسم أهل البيت» (حلبی غزی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۱۱).

۵. پیامدهای توجه به مقدسات شیعی

حمدانیان از اولین حکومت‌های شیعی‌مذهب در سرحدات غربی خلافت عباسیان به شمار می‌روند که از یک طرف در صدد بودند با رقابت با آل بویه شیعی‌مذهب که در شرق خلافت حکومت تشکیل داده بودند، امیرالامرایب غرب را بنیان نهند و از طرفی به‌عنوان جهادگران اسلام و حافظان خلافت هم در جبهه خوارج به جنگ مشغول باشند و هم در جنگ با رومیان رزم‌آرایی می‌کردند. این ویژگی‌های خاص حکومتی است که هرچند دوران کوتاهی از طرف خلافت عباسی لوای حکومت موصل و سپس حلب را داشتند ولی جهد وافر و ترویج فرهنگ و عقاید شیعی داشته باشند. درایت سیاسی و فرهنگی امرای حمدانیان باعث شد که در این مسیر نه تندروی‌های برخی دیگر از حکومت‌های شیعی را داشته باشند و نه برای حفظ قدرت و حکومت، مذهب خویش را کتمان کنند. آنان در این مسیر تسامح مذهبی را رویکرد خود قرار دادند و توانستند در سرزمین‌های تحت سلطه خود همچنان که شیعیان زندگی می‌کردند، پذیرای دیگر ادیان و مذاهب هم باشند تا جایی که بیان شده که مسیحی‌ها، یهودی‌ها، فرق مختلف مسلمین حتی قرامطه تا زمانی که با مسلمانان وارد جنگ نشده بودند در آسایش (صنعتگر، ۱۳۸۰: ۹۳) و از حمایت او برخوردار بودند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶ ج ۶: ۲۴۳).

آنچه برای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی مهم است این بود که حمدانیان امنیت شیعیان را در مناطق تحت نفوذ فراهم آوردند و آنان فرصت یافتند در شهرهای گوناگون مانند حلب و موصل به ترویج عقاید خود بپردازند. در این دوره در بعضی مواقع شورش‌های داخلی بروز می‌کرد؛ ولی با تدابیر حمدانیان آرام می‌شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ج ۸: ۵۶۲ و ۵۶۶). فضای بازی که حمدانیان برقرار کردند، به تدریج موجب رشد تشیع شد به حدی که در جزیره، جمعیت شیعه توجه مقدسی را به خود جلب کرده بود (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۳۸). سوریه نیز مانند حلب و اطراف آن، بعلبک و توابعش، جبل عامل و سواحل آن مملو از شیعیان بود (مظفر، ۱۳۷۴: ۲۲۶-۲۲۵).

گسترش مفاهیم شیعی و اهمیت دادن به مقابر و مظاهر اسلامی و شیعی و از طرفی امنیت و آسایشی که به‌خصوص در دوران برخی از حکمرانان حمدانی همچون ابو تغلب در این حکومت ایجاد شد سبب گردید که دانشمندان، علما و شاعران شیعی به این منطقه مهاجرت کنند و از این رو این مناطق به کانون علمی فرهنگی شیعیان در غرب خلافت عباسی تبدیل شود.

در دربار سیف‌الدوله دانشمندیان در حوزه فلسفه و پزشکی و نجوم نیز حضور داشتند؛ چراکه امیر حمدانی مجال عرضه انواع علوم و معرفت را فراهم کرده بود، چنان‌که حکیم بزرگ، فارابی، به دربار سیف‌الدوله روی آورد و در آنجا به تعلیم و تألیف پرداخت. به نظر می‌آید شهرت سیف‌الدوله در جذب و تکریم علما و ادبا، فارابی را به حلب کشانده بود. وی مدتی در لباس اهل تصوف در حمایت سیف‌الدوله به سر برد (زرین کوب، ۱۳۵۵: ۱۱۲). در اثر همین حمایت‌های حکمرانان حمدانی بود که شماری از شاعران شیعه نیز به این دربار جذب شدند و با حمایت حمدانیان و به‌ویژه سیف‌الدوله در قلمرو آنان رشد کردند و به فعالیت پرداختند. در ادامه همین روند، شعر در عصر حمدانی تبدیل به نهضت نیرومند ادبی و البته دینی و مذهبی نیز شد. دربار حمدانی از جمله دربار سیف‌الدوله مملو از شاعرانی بود که از این سوی و آن سوی جهان اسلام به آنجا روی می‌آوردند. سخنوران و شاعران



نامداری همچون متنبی، ابوفراس با قصیده معروف خود به نام میمیه، صنوبری، کشاجم و ... در آنجا گرد آمدند (بهرامی، ۱۳۹۷: ۱۵).

عمر کوتاه حکومت حمدانیان چه در شهر موصل و چه در شهر حلب، فرصت بهره‌برداری بیشتر از اقدامات فرهنگی جهت ترویج مذهب شیعه به ایشان نداد؛ ولی همین اقدامات باعث شد که در دهه‌های بعد حکومت شیعه‌مذهب مرداسی در این مکان تشکیل شود و میراث‌دار حمدانیان گردد؛ به‌گونه‌ای که آوازه علمی، فرهنگی شیعه از این شهر به اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی برسد و حتی باقی‌مانده علمای حوزه علمیه نجف را به سوی خود جذب کند تا جایی که قرن چهارم و پنجم یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های علمی فقه‌پژوهی شیعه، شهر حلب گردد.

نتیجه‌گیری

قرن چهارم از یک طرف دوران ضعف خلافت عباسیان به شمار می‌رود و از یک طرف دوران آغاز حکومت‌های امیرالأمراپی در خلافت عباسی است. شیعیان که در دوران عباسی کمتر جایگاه سیاسی اجتماعی داشتند سعی کردند با استفاده از ضعف نهاد خلافت، شوکت شیعی را احیاء کنند به همین دلیل شاهد شکل‌گیری حکومت‌های نیمه‌مستقل در خلافت عباسی هستیم که از میان ایشان حکومت حمدانیان و آل‌بویه به‌عنوان دو حکومت مقتدر شیعه‌مذهب قرن چهارم مورد توجه هستند.

حمدانیان با توجه به موقعیت جغرافیایی که در حدود مرزهای سرزمین‌های اسلامی با روم استقرار دارند از یک طرف به‌عنوان جهادگران اسلامی با رومیان در تقابل‌اند و از طرفی با گروه‌های خوارج که دشمن مشترک شیعه و خلافت عباسی بود دست‌وپنجه نرم می‌کردند. در این بین توجه به شعائر اسلامی و احیای مقابر امامان و مقدسات شیعه از جمله اقدامات مهم حمدانیان در جهت ترویج فرهنگ شیعی بود که هم بتوانند روحیه جهاد و شهادت را تقویت کنند و هم آرزوی دیرین خود؛ یعنی برپایی حکومتی شیعی را به ثمر برسانند.

ساخت حرم برای مزار امام علی علیه السلام به‌عنوان اولین امام شیعیان توسط حسین بن حمدان که صاحب‌منصب در دربار خلافت عباسی به شمار می‌رود از اقدامات متهورانه و معتقدانه این خاندان به شمار می‌رود. همچنین ساخت بارگاه بر مزار امامین عسگریین در سامرا و همچنین ساخت بقعه بر مزار عمرو بن حمق خزاعی، صحابی بزرگ حضرت علی علیه السلام از دیگر اقدامات حکمرانان حمدانی در این زمینه است.

این اقدامات باعث شد که اواخر قرن چهارم، حلب که مرکز دوم حکومت حمدانیان به شمار می‌رفت، یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع علمی فرهنگی شیعیان در تمدن اسلامی باشد به‌گونه‌ای که فقیهان و شاعران و دانشمندان بسیاری به این شهر مهاجرت کردند و تحت حمایت حکمرانان حمدانی توانستند علم و فرهنگ اسلامی، شیعی را تقویت و توسعه دهند.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین بن حسین، (۱۹۸۹)، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث.
- ابن حماد حنبلی، ابو الفلاح عبد الحی بن احمد، (۱۹۸۶)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن ابو عبدالله، (۱۳۶۳)، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبد المحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی، (۱۳۷۴)، *الطبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار الفکر.
- انطیقه چی، ناصر؛ صفری فروشانی، نعمت الله، (۱۳۹۰)، «بررسی روابط دولت‌های شیعی در قرن چهارم هجری»، نشریه تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۳۱، صص ۳۴-۷.
- بهرامی، اعظم، (۱۳۹۷)، «بررسی اوضاع فرهنگی و ادبی در عصر حمدانیان»، نشریه تاریخ پژوهی، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۷۴، صص ۷-۲۶.
- ثقفی کوفی ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۷۳)، *الغارات*، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.
- چلونگر، محمد علی، (۱۳۹۰)، *تاریخ فاطمیان و حمدانیان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین مرکز تحقیقات و توسعه علوم انسانی (سمت).
- حلبی غزی، کامل بن حسین، (۱۴۱۹)، *نهرالذهب فی تاریخ حلب*، محقق و مصحح شعث، شوقی؛ فاخوری، محمود، حلب: دار القلم.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۲۲)، *تاریخ بغداد*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- خلیلی، جعفر، (۱۴۰۷)، *موسوعة العتبات المقدسة*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب السیر*، تهران: خیام.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات نگاه.
- زرکلی، خیر الدین بن محمود، (۱۹۸۹)، *الأعلام*، بیروت: دار العلم للملایین.
- زین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۵)، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- شوشتری، قاضی نور الله، (۱۳۷۷)، *مجالس المؤمنین*، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- شهیدی پاک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، «تاریخ محلی حلب، جغرافیای تاریخی شهر حلب»، نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شهریور ۱۳۹۷، شماره ۴، صص ۲۱-۲۷.
- صنعتگر، خلیل، (۱۳۸۰)، *حمدانیان اولین مدافعان قدس*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم ☞.
- طرابلسی، ابراهیم علی، (۲۰۰۷ م)، *التشیع فی طرابلس و بلاد الشام*، بیروت: دارالساقی.

فراهنتی، عباس علی؛ اکبری نصرآبادی، محمد؛ حیدری، شکریه، (۱۳۹۳)، «پیدایی دولت حمدانیان و بررسی اوضاع اجتماعی آن دوران». فصل‌نامه علمی پژوهشی تاریخ، بهار ۱۳۹۳، شماره ۳۲، ۹۴-۷۰.

فیصل، سعد، (۱۹۷۰)، *الدوله الحمدانیه فی الموصل و الحلب*، بغداد: جامعه بغداد.

محلّاتی، ذبیح‌الله، (۱۴۲۶)، *مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء*، قم: المكتبة الحیدریه.

مسکویه، ابو علی، (۱۳۷۶)، *تجار بالأمم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس.

مظفر، محمد حسین، (۱۳۷۵)، *تاریخ شیعه*، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



فصل‌نامه
علمی
مطالعات
بـقاع و
امـاکن
مـتـبرکـه